

هماهنگی دستور زبان عربی و دستور زبان فارسی در فرایند برنامه‌ریزی درسی

فریدون مظلوم گرمجانی^۱

چکیده

همگامی تمام عیار دو زبان متفاوت امکان پذیر نیست. شاید بتوان با برخی از انواع ترجمه‌ها، فاصله‌های بین زبان‌ها را کم کرد تا هر زبانی بتواند خود را به مرزهای زبان دیگری نزدیک کند. اما واژه‌های متفاوت بی‌معادل و قانونمندی ساختاری ویژه متن متفاوت، همگامی را حتی در زبان‌های هم‌ریشه، غیرممکن می‌کند. به همین علت، مثلاً در مورد شعر گفته می‌شود که نمی‌شود آن را ترجمه کرد.

پیوستگی زبان عربی به ویژه در بخش واژگان و مفردات با زبان فارسی و نزدیکی معنوی آن با فرهنگ ایرانیان، آن چنان است که انگیزه‌های این فکر را فراهم کرده است که زبان عربی زبان دوم مادری ایرانیان است. به ویژه با رویکردی که نحله‌های فکری و فرهنگی ایرانیان به زبان عربی داشته‌اند و دارند.

۱. مدرس مراکز تربیت معلم و پیش‌دانشگاهی و آموزش ضمن خدمت فرهنگیان و دانشگاه آزاد

از طرفی زبان فارسی از جمله زبان‌های زنده دنیاست که بیش از ده قرن سره و دست نخورده باقی مانده است. مردم ایران و بخش وسیعی از همسایگان آنها امروزه به زبان فردوسی حرف می‌زنند و چیزهای مورد نیاز خود را برآورده می‌کنند. اگر مقایسه‌ای گذرا صورت گیرد آشکار می‌شود که بیشترین تغییرات در زبان فردوسی، با واژه‌های بیگانه و اندکی ترجمه‌ای در ساختمان زبان فارسی، به وجود آمده است.

اما راز پویایی و زنده بودن زبان تنها و تنها بالیدن برداشته‌های گذشته نیست، بلکه زبان برای زنده بودن و با نشاط زیستن به هوایی فراخ و سالم برای اجرای مسئولیت‌های زبانی خود، نیازمند است. نوزائی با دنیای گسترده پیشوندها و پسوندها، برخورد مناسب با واژه‌های ناآشنا، شناخت داده‌های فرهنگ ملی - اسلامی و ... می‌تواند زمینه‌های روشن‌تری در چگونگی استفاده از زبان عربی در اختیار دردمندان و دلسوزان قرار دهد و همگامی این دو زبان را قانونمند کند. بخشی از آموزش زبان در هر فرهنگی بر دوش نهادهای آموزشی است. آموزشگاه‌ها و مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، پرورش دهندگان غیرتمندان جامعه در آینده در زمینه فرهنگ و ملیت هستند. در ایران، آشنایی با زبان عربی تقریباً از سال‌های بدو ورود به مدرسه آغاز می‌شود و در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان به شکل زبان و ادبیات عربی جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های درسی برنامه‌ریزان پیدا می‌کند.

هدف از قانونمندی این نوشته بدون شک ردّ کردن دستور زبان و آموزش زبان عربی نیست، بلکه یافتن بهترین روش برای رسیدن به بهترین نتیجه است. این نوشته می‌کوشد یک بار دیگر هدف‌های آموزش زبان عربی در کشور را به چالش کشانده و به گمان خود آن را آسیب شناسی کند. می‌گوید زبان عربی در شکل و محتوای فعلی خود نمی‌تواند نقش یک وسیله را در رسیدن به هدف‌های اصلی آموزش یک زبان در کشور به خوبی بازی کند.

هماهنگی دستور زبان عربی در دستور زبان فارسی ... ۳۷۳

پیشنهاد می‌کند عربی سال اول دبیرستان برای همه رشته‌ها به صورت درسی دو واحدی در شکل و محتوای تازه‌ای تدریس شود که سمت و سوی سرفصل‌ها و تمرین‌ها همگامی موضوعات و مفاهیم با زبان فارسی باشد. این همگامی (تطبیق و تطابق) در قرائت‌های انتخابی بر اساس تاریخ و فرهنگ اسلامی - ایرانی و فرهنگ ملل نیز در نظر گرفته می‌شود.

اما از سال دوم تا پایان دوره پیش دانشگاهی رشته‌های به جز ادبیات و علوم انسانی (تجربی و ریاضی و هنرستان) دستور زبان عربی را در بطن و در متن کتاب‌هایی مثل زبان فارسی و ترجمه و قرائت را در متن درس‌هایی مثل قرآن و معارف اسلامی و دین و زندگی و ادبیات فارسی بخوانند.

اما رشته‌های ادبیات و علوم انسانی از سال دوم تا پایان دوره پیش دانشگاهی کتاب‌های جدایی با هفته‌ای چهار ساعت آموزش خواهند داشت. در کنار کتاب‌های عربی درسی هم با نام بلاغت برای رشته ادبیات و علوم انسانی گذاشته شود که در سال سوم ادبیات و علوم انسانی و پیش دانشگاهی یا در یکی از این دو سال آموزش داده می‌شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، زبان عربی، زبان فارسی، برنامه‌ریزی درسی، دستور زبان، نظام آموزشی